

وصیت نامه‌ی خودنوشت دکتر محمد مصدق

(۱) وصیت می‌کنم که فقط فرزندان و خویشان نزدیکم از جنازه‌ی من تشییع کنند و مرا در محلی که شهدای ۳۰ تیر مدفونند، دفن نمایند.

(۲) بدون سند رسمی یا نوشته به خط و امضای خود به کسی مدیون نیستم.

(۳) نظر به این که طبق اسناد رسمی ثبت شده در دفتر اسناد رسمی شماره‌ی ۳۹ تهران منافع دو سال از خانه‌ها و مستغلاتی که به فرزندان خود بخشیده‌ام پس از مرگ تعلق به این جانب دارد به شرح ذیل:

الف - منافع خانهای واقع در کوچه‌ی ازهری ملک خانم ضیاء اشرف بیات مصدق سند شماره‌ی ۴۲۱۵۶ (۲۹ اسفند ۱۳۲۹) ب - منافع چهاردانگ از خانه‌هایی که در آن سکونت داشتم، ملک آقای مهندس احمد مصدق، سند شماره‌ی ۴۲۱۷۵ (۲۹ اسفند ۱۳۲۹)

ج - منافع خانهای مسکونی همسر عزیزم، ملک آقای دکتر غلامحسین مصدق سند شماره‌ی ۴۲۱۵۸ (۲۹ اسفند ۱۳۲۹)

حق الارض عمارت دو آشکوبه و دو گاراژ، ملک دکتر غلامحسین مصدق، سند شماره‌ی ۴۲۱۵۹ (۲۹ اسفند ۱۳۲۹) که در سال به یکصد و بیست هزار ریال (دوازده هزار تومان قطع شده)

د - مستغلات واقع در خیابان ناصرخسرو، ملک بانو منصوره متین‌دفتری، سند شماره‌ی ۴۲۱۶۰ (۲۹ اسفند ۱۳۲۹)

از بابت منافع سال اول مبلغی که در صورت جداگانه تنظیم شده به اشخاص مفصله در آن صورت بپردازند و هرچه باقی ماند، برای نماز و روزه و حج این جانب به کار برند و از عواید سال دوم قطعه زمینی که برای باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران مناسب باشد، با نظر نماینده‌ی آقایان خریداری شود. چنانچه آقایان دانشجویان قطعه زمینی در اختیار داشته باشند، مبلغ مزبور را به نماینده یا نمایندگان قانونی آقایان دانشجویان تحویل دهند که آن‌ها خود مبلغ مزبور را صرف تعمیر ساختمان جدید آن بنمایند. چنانچه وصیت‌نامه‌ی دیگری از نوشته‌جات غارت شده یا در خانه نزد دیگران است از درجه‌ی اعتبار ساقط است.

احمدآباد، ۲۰ آذر ماه هزار و سیصد و چهل و چهار هجری شمسی

دکتر محمد مصدق



وصیت‌نامه‌ی دکتر محمد مصدق

(۱) وصیت می‌کنم که فقط فرزندان و خویشان نزدیکم از جنازه‌ی من تشییع کنند و مرا در محلی که شهدای ۳۰ تیر مدفونند، دفن نمایند.

(۲) بدون سند رسمی یا نوشته به خط و امضای خود به کسی مدیون نیستم.

(۳) نظر به این که طبق اسناد رسمی ثبت شده در دفتر اسناد رسمی شماره‌ی ۳۹ تهران منافع دو سال از خانه‌ها و مستغلاتی که به فرزندان خود بخشیده‌ام پس از مرگ تعلق به این جانب دارد به شرح ذیل:

الف - منافع خانهای واقع در کوچه‌ی ازهری ملک خانم ضیاء اشرف بیات مصدق سند شماره‌ی ۴۲۱۵۶ (۲۹ اسفند ۱۳۲۹) ب - منافع چهاردانگ از خانه‌هایی که در آن سکونت داشتم، ملک آقای مهندس احمد مصدق، سند شماره‌ی ۴۲۱۷۵ (۲۹ اسفند ۱۳۲۹) ج - منافع خانهای مسکونی همسر عزیزم، ملک آقای دکتر غلامحسین مصدق سند شماره‌ی ۴۲۱۵۸ (۲۹ اسفند ۱۳۲۹) د - مستغلات واقع در خیابان ناصرخسرو، ملک بانو منصوره متین‌دفتری، سند شماره‌ی ۴۲۱۶۰ (۲۹ اسفند ۱۳۲۹)

از بابت منافع سال اول مبلغی که در صورت جداگانه تنظیم شده به اشخاص مفصله در آن صورت بپردازند و هرچه باقی ماند، برای نماز و روزه و حج این جانب به کار برند و از عواید سال دوم قطعه زمینی که برای باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران مناسب باشد، با نظر نماینده‌ی آقایان خریداری شود. چنانچه آقایان دانشجویان قطعه زمینی در اختیار داشته باشند، مبلغ مزبور را به نماینده یا نمایندگان قانونی آقایان دانشجویان تحویل دهند که آن‌ها خود مبلغ مزبور را صرف تعمیر ساختمان جدید آن بنمایند. چنانچه وصیت‌نامه‌ی دیگری از نوشته‌جات غارت شده یا در خانه نزد دیگران است از درجه‌ی اعتبار ساقط است.

احمدآباد، ۲۰ آذر ماه هزار و سیصد و چهل و چهار هجری شمسی

دکتر محمد مصدق

تاریخچه ی حزب ایرانیان



حزب ایرانیان

دکتر حسین تجدد
عضو هیات اجرایی دفتر سیاسی
و قائم مقام پیشین دبیر کل حزب ایرانیان
نماینده ی اسبق مجلس شورای ملی

جنب و جوش در حزب ایرانیان

گروه های زیادی از دانشگاهیان، اساتید سرشناس و

فرهیخته، فرهنگیان، اصناف، پیشه‌وران و دانشجویان جوانان

و منظر الوکاله‌ها به حزب ایرانیان پیوستند که هدف بیش تر

آن‌ها وکیل شدن و راه یافتن به مجلس شورای ملی بود که با

ناکامی روبه‌رو شدند و حزب را ترک کردند. امر بر دبیر کل

حزب ایرانیان مشتبه شده بود. وی تصور می کرد حزب

ایرانیان یک حزب واقعی و خودجوش و غیروابسته است!!

پند و هشدار به دبیر کل حزب ایرانیان

لا همان گونه که در بخش چهارم بیان کردم، سرانجام پس از چند ماه کوشش های نخستین و تلاش های بسیار عصر روز ۱۳۴۹/۱۰/۲۷ حزب ایرانیان رسماً در تالار فرهنگ گشایش یافت. مراسم از هر جهت باشکوه بود. در این نشست که بیش از هزار نفر حضور داشتند، دکتر فضل‌الله صدر (دبیر کل حزب ایرانیان) در بخش نخستین سخنرانی خود که با ساده لوحی و باور غلط هیجان زده شده بود، از حزب ایرانیان به عنوان یک حزب اساسی و واقعی و بدون وابستگی سخن گفت و همه ی احزاب گذشته را بدون این که نامی از حزب معینی ببرد، زیر سوال قرار داد. این بخش از سخنرانی دبیر کل حزب ایرانیان مورد استقبال مسوولان و دست‌اندرکاران احزاب موجود و کهنه‌کاران میدان سیاست حاضر در جلسه قرار نگرفت. دبیر کل حزب ایرانیان در بخش دوم سخنرانی خود بخش های مهمی از مرامنامه ی حزب ایرانیان را قرائت کرد که همراه با نوآوری ها و راهکارهای فکری جدید بود که مورد توجه حاضران قرار گرفت و حال و هوای تازه یی در مجلس به وجود آمد.

همان گونه که قبلاً هم اشاره کردم قبل و بعد از گشایش رسمی حزب جدید ایرانیان، خبرهایی در محافل سیاسی شایع بود و روزنامه‌ها و مجلات مطالبی درباره تاسیس حزب جدید می نوشتند. پس از مستقر شدن حزب در خانه ی شماره ی ۱۹۴ خیابان صفی‌علیشاه هر روز خبرها افزونی می یافت و داغ و داغ تر می شد بویژه این که تاسیس حزب در آستانه ی انتخابات دوره ی بیست و سوم مجلس شورای ملی و ۸ ماه باقی مانده به انجام انتخابات بود. هر



در یک نشست حزبی

ردیف اول از راست: دکتر علی‌نقی کنی (دبیر کل اسبق حزب مردم)

و دکتر حسین تجدد (نویسنده ی مقاله و قائم مقام اسبق دبیر کل حزب ایرانیان)